



مركز جهانی علوم اسلامی
جمهوری اسلامی ایران - قم - ۱۳۵۸

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

نقد و بررسی نظریه تکامل معرفت دینی

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته فقه و معارف اسلامی

نگارش: ایجاد حسین حسن مجتبی

استاد راهنما؛ حجة الاسلام و المسلمین سید محمد علی داعی نژاد

استاد مشاور؛ حجة الاسلام و المسلمین سید محمد اسماعیل سید هاشمی

بهمن ۱۳۸۴

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی
شماره ثبت: ۸۹۵
تاریخ ثبت:

□ مسئولیت مطالب مندرج در این پایان نامه ، به عهده نویسنده می باشد.

□ هر گونه استفاده از این پایان نامه با ذکر منبع ، بلاشکال است و نشر آن

در داخل کشور منوط به اخذ مجوز از مرکز جهانی علوم اسلامی است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهداء

به پیشگاه یگانه منجی عالم بشریت، قطب دایره امکان حضرت بقیه الله الاعظم (عج)
ارواحنا فداء و سلاله پاکش امام امت اسلامی خمینی کبیر (قدس سره)
به جویندگان راه علم و دانش، واصلان به شهادت که با الهام از مکتب
اهلیت علیهم السلام همواره با علم و دانایی و نثار جان در دفاع از مکتب جاودانه
تشیع لحظه ای نیا سودند و بویژه قاید مظلوم شهید سید عارف حسین الحسینی که با
خون پاکش، نخل سبز ولایت را آبیاری نمود که راهش همیشه پراهر و باد

تقدیر و تشکر

حمد بی حد مر خدای پاک را

آنکه ایمان داد مشت خاک را

از ریاست فریخته و دانشمند مرکز جهانی علوم اسلامی، و مدیریت محترم مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی و بخصوص بخش پایان نامه که بستر دانش آموزی و قلم پروری را فراهم نمودند سپاس گذارم.

همین طور از استاد محترم راهنما حجة الاسلام سید محمد علی داعی نژاد که با راهنمای های ارزشمند و راه گشای شان همواره در تکمیل این رساله رهگشا و راهنمایم بوده اند، و از استاد محترم مشاور حجة الاسلام سید محمد اسماعیل سید هاشمی که اگر مشاوره های عالمانه و اندیشمندانه ایشان نبود، این تحقیق با این کیفیت به سامان نمی رسید، و از تمامی کسانی که در سامان بخشی ظاهری و علمی این رساله پشتیبانم بوده اند نیز سپاس گذارم و بخصوص از استاد ارجمند آقای ابوالفضل روحی.

قم المقدسه - ایجاد حسین حسن مجتبی

زمستان ۱۳۸۴

چکیده مطالب

پژوهش حاضر در پی نقد و بررسی نظریه تکامل معرفت دینی می‌باشد که این نظریه تقریباً ۱۶ سال پیش به جامعه اسلامی وارد شده و مورد کاوش و چالش اندیشمندان قرار گرفته است. سعی این پژوهش بر جمع‌آوری مباحث طی سالهای گذشته و ارائه دسته‌بندی تازه می‌باشد.

فصل اول این پژوهش درباره کلیات و تعاریف است در این فصل از تبیین موضوع، هدف، پرسشها، فرضیه‌ها، اهمیت و تعاریف مفاهیم کلیدی بحث آمده است.

فصل دوم این پژوهش مشتمل بر سه مرحله است که عبارت است از: مرحله توصیف، تبیین و توصیه. مرحله توصیف سه رکن دارد که عبارت‌اند از: ۱- تمایز ابدی دین و معرفت دینی، ۲- صامت بودن شریعت و ۳- تحول عام معارف بشری از جمله معرفت دینی که دی اینجا به بحث بشری بودن معرفت دینی نیز پرداخته شده است. مرحله تبیین دو رکن دارد که عبارت‌اند: ۱- ترابط عمومی معارف، بشری بودن معرفت دینی و ۲- مصرفی بودن تمام عیار معرفت دینی. مرحله توصیه نیز مشتمل بر دو رکن است: ۱- تکامل عام معرفت دینی و ۲- عصری بودن معرفت دینی و در آخر همین فصل به تبیین پیامدهای نظریه تکامل معرفت دینی پرداخته است که این نظریه مستلزم پلورالیسم دینی، تعدد قرائت‌ها و تفسیر به رای است.

فصل سوم از نقد و بررسی ارکان مرحله توصیف بحث می‌کند که مشتمل بر نقد و بررسی سه رکن: ۱- تمایز دین و معرفت دینی، ۲- صامت بودن شریعت و ۳- تحول عام معارف می‌باشد که اینجا به نقد بشری بودن معرفت دینی همان‌طور که مدعی می‌گوید بحث شده است.

فصل چهارم به نقد و بررسی ارکان مرحله تبیین پرداخته است که این دو رکن را در بر می‌دارد: ۱- ترابط عام معارف که این رکن شامل دلایل عقلی از مدعی و نقد آن و شامل شواهد استقرایی و نقد آن و برهان فر بالذات می‌باشد؛ ۲- تغذیه و مصرف دائمی معرفت دینی از معارف بشری.

فصل پنجم از نقد و بررسی ارکان مرحله توصیه بحث کرده است که این مرحله نیز مشتمل بر نقد و بررسی دو رکن است: ۱- تکامل معرفت دینی که در این بحث

شکاکیت کلی و نقد آن مطرح شده است، و ۲- عصری بودن معرفت دینی که ادعای ناممکن و غیرمعقول است.

فصل آخر از جمع‌بندی کل بحث و از نتیجه‌ای که از این بحث به دست آمده است بحث کرده است و در آخرش هم منابع ذکر شده است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: کلیات و تعاریف
۲	۱-۱: تبیین موضوع پژوهش
۲	۱-۲: اهداف پژوهش
۲	۱-۳: پرسشهای پژوهش
۳	۱-۴: فرضیه‌های پژوهش
۳	۱-۵: اهمیت پژوهش
۳	۱-۶: ضرورت پژوهش
۴	۱-۷: تعریف مفاهیم
۴	۱- دین
۶	نقد تعاریف
۹	۲- معرفت و معرفت دینی
۹	معرفت در لغت
۹	معرفت در اصطلاح
۱۲	۳- معرفت شناسی و معرفت شناسی دینی
۱۲	معرفت شناسی
۱۲	تعریف معرفت شناسی
۱۳	انواع معرفت شناسی
۱۳	۱- معرفت شناسی پیشینی
۱۴	۲- معرفت شناسی پسینی
۱۵	۴- تکامل
۱۵	۸-۱: پیشینه نظریه تکامل معرفت دینی
۱۷	۹-۱: پیشینه نقدها
۱۹	فصل دوم: تبیین نظریه تکامل معرفت دینی
۲۰	مقدمه

- ۲-۱: تبیین مراحل و ارکان نظریه تکامل معرفت دینی ۲۱
- ارکان نظریه تکامل معرفت دینی ۲۲
- ۲-۲: بررسی دعاوی ارکان توصیف ۲۷
- رکن اول: تمایز دین و معرفت دینی ۲۷
- منظور از معرفت دینی در نظریه تکامل ۲۸
- موارد تمایز دین و معرفت دینی در نظریه تکامل معرفت دینی ۲۹
- رکن دوم: صامت بودن شریعت ۳۰
- رکن سوم: تحوّل معرفت دینی ۳۲
- فراگیر بودن تحوّل ۳۳
- معرفت دینی امری بشری است ۳۴
- ۲-۳: بررسی دعاوی ارکان مرحله تبیین ۳۶
- رکن چهارم: معارف بشری با هم ارتباط ناگسستگی دارند ۳۶
- انواع ارتباط در نظریه تکامل معرفت دینی ۳۶
- رکن پنجم: تابع و مصرفی بودن معرفت دینی ۳۹
- راههای اصلی تغذیه معرفت دینی ۳۹
- تعریف علوم تولید کننده و مصرف کننده ۴۲
- ۲-۴: بررسی دعاوی ارکان مرحله توصیه ۴۳
- رکن ششم: تغییر و تحوّل معرفت دینی جنبه تکاملی دارد ۴۳
- موارد تکامل معرفت دینی در نظریه تکامل ۴۴
- رکن هفتم: معرفت دینی که با علوم عصری سازگار نباشد ناقص است ۴۶
- اصول درک عصری دین در نظریه تکامل ۴۸
- تفاوت میان نسیت حقیقت و نسیت معرفت ۴۹
- ۲-۵: پیامدهای نظریه تکامل معرفت دینی ۵۰
- ۱- نظریه قبض و بسط و پلورالیسم دینی ۵۰
- ۲- نظریه تکامل معرفت دینی و تعدد قرائت‌ها ۵۱
- ۳- نظریه تکامل معرفت دینی و تفسیر بالرأی ۵۳
- فصل سوم: نقد ارکان مرحله توصیف ۵۵**
- ۱-۳: نقد رکن اول توصیف ۵۶
- ۱- تمایز دین و معرفت دینی ۵۶

۶۰	عوامل فهم نادرست
۶۳	۲- امکان تغییر در دین
۶۵	۳- انواع تغییر در احکام
۶۵	نسخ
۶۵	تبدل موضوع
۶۵	احکام ثانوی
۶۶	تزامن احکام
۶۶	احکام حکومتی
۶۶	۴- اشکالات این ادعا
۶۸	خلاصه رکن اول
۶۸	۳-۲: نقد رکن دوم توصیف: صامت بودن شریعت
۷۰	نقدها و اشکالات رکن دوم
۷۱	خلاصه نقد رکن دوم
۷۲	۳-۳: نقد رکن سوم توصیف؛ تحوّل معرفت دینی
۷۲	معنای تحوّل
۷۵	نقدهای اساسی رکن سوم (تحوّل معرفت دینی)
۷۷	نقد (معرفت دینی، معرفتی بشری است)
۷۸	خلاصه نقد رکن سوم
۸۰	فصل چهارم: نقد ارکان مرحله تبیین
۸۱	۴-۱: مقدمه
۸۱	الف) دیدگاهها در باب ترايط
۸۴	ب) انواع رابطهها
۸۸	۴-۲: نقد رکن اول مرحله تبیین (ترايط عمومی معارف)
۸۸	الف) دلایل عقلی و منطقی دیالوگ مستمر
۸۸	۱- اصل امتناع تناقض
۸۹	نقد اصل امتناع تناقض
۹۱	۲- پارادوکس تایید یا عکس نقیض
۹۲	نقد پارادوکس تایید یا عکس نقیض
۹۴	۳- اصل علیت

۹۴	نقد اصل علیت
۹۷	۴- برهان فرد بالذات
۹۹	نقد برهان فرد بالذات
۱۰۱	ب) شواهد استقرائی دیالوگ مستمر
۱۰۱	۱- اصل تعارض
۱۰۲	نقد اصل تعارض
۱۰۴	۲- معرفت شناسی
۱۰۵	نقد معرفت شناسی
۱۰۵	۳- مبادی فلسفی و کلامی (اصول موضوعه و پیش فرض های فلسفی و کلامی)
۱۰۷	نقد منادی فلسفی و کلامی
۱۰۹	۳-۴: نقد رکن دوم مرحله تبیین «مصرفی بودن تمام عیار معرفت دینی»
۱۰۹	مجازی تغذیه معرفت دینی
۱۰۹	نقدهای اساسی تغذیه معرفت دینی
۱۱۴	خلاصه دو رکن مرحله تبیین
۱۱۶	فصل پنجم: نقد و بررسی ارکان مرحله توصیه
۱۱۷	۵-۱: مقدمه
۱۱۹	۲- ۵: نقد رکن اول مرحله توصیه (تکامل مداوم معرفت دینی)
۱۲۳	۳- ۵: نظریه تکامل معرفت دینی و شکاکیت
۱۲۶	نقد شکاکیت کلی
۱۲۶	الف) شکاکیت کلی از نظر فلسفی
۱۲۶	ب) شکاکیت کلی از نظر دینی
۱۲۷	۱- مخالفت و ناسازگاری شکاکیت با ایمان مذهبی
۱۳۰	۲- مخالفت شکاکیت با ضرورت های دین
۱۳۱	۳- ۵: نقد رکن دوم توصیه (عصری سازی معرفت دینی)
۱۳۶	۴- ۵: تقدس معرفت دینی
۱۳۷	معنای قداست در لغت و اصطلاح
۱۳۷	مشتقات واژه قداست در قرآن
۱۳۸	قداست در اصطلاح
۱۳۸	ویژگی های امر مقدس ذاتی

۱۳۹	موارد کاربرد قداست
۱۴۱	جایگاه معرفت شناسی
۱۴۱	تقدس معرفت دینی از منظر معرفت شناسی
۱۴۲	خلاصه ارکان مرحله توصیه
۱۴۳	فصل ششم: جمع بندی و نتیجه گیری
۱۵۴	فهرست منابع

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱-۱: تبیین موضوع پژوهش

موضوع پژوهش، نقد و بررسی نظریه تکامل معرفت دینی است که می‌گوید، معرفت دینی تحت تأثیر سایر معرفت‌های بشری است. در این پژوهش، مدعیات این نظریه، یعنی تحول مستمر معرفت‌های دینی تحت تأثیر دائم و دیالوگ مستمر با سایر معرفت‌ها، نسبیت معرفت دینی، تبعیت معرفت دینی از سایر معرفت‌های بشری و عصری بودن معرفت‌های دینی، مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲: اهداف پژوهش

یکی از اهداف این پژوهش تأکید بر نقد و ارزیابی تئورزی‌ها و توسعه نقد و ارزیابی علمی در حوزه‌ها و نیز نشان دادن ضعف و نارسایی نظریاتی است که تحت تأثیر روشهای معرفت‌شناختی غرب به ارزیابی تفکر اسلامی می‌پردازد. طرح و گسترش چنین دیدگاه‌ها گرچه ممکن است موجب تزلزل ایمان و اعتقاد نسل جوان باشد ولی اگر حوزه‌های علمی به خوبی به نقد و ارزیابی آنها بپردازند آثار مثبتی نیز خواهند داشت چه بسا تحولات علمی، تولید و گسترش معرفت‌های دینی که منشأ آنها طرح و دیدگاه‌های مخالف بوده است. هدف دوم این پژوهش ارائه‌ی دسته‌بندی تازه در پاسخ به این نظریه است با مراجعه به تحلیل و بررسی و پاسخ‌های که تا کنون ارائه شده است.

۱-۳: پرسشهای پژوهش

پرسشهای پژوهش را با توجه به بیان مسئله می‌توان به این نحو بیان کرد:

۱- آیا معرفت‌های بشری همیشه و همواره در تغییر و تحول‌اند؟

۲- آیا تغییر در معرفت‌های بشری مستلزم تغییر در معرفت‌های دینی

می‌شود؟

۳- آیا معرفت‌های دینی تابع و مصرف‌کننده تمام عیار معرفت‌های

بشری‌اند؟

۴- آیا تغییر در معرفت‌های دینی جنبه تکاملی دارد؟

۵- آیا برای شناخت درست دین، نیاز به فراگیری تمام علوم بشری است؟

۴-۱: فرضیه‌های پژوهش

با توجه به پرسش‌های اصلی پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به این ترتیب می‌باشند: در تمام حوزه‌های معارف تغییر و تحول بوجود نمی‌آید؛ تغییر و تحول در یک معرفت بشری موجب تغییر و تحول در معرفت دینی و سایر معرفت‌ها نمی‌شود؛ همه معرفت‌های دینی تابع معرفت‌های بشری نیستند؛ تغییر و تحول در معرفت‌های دینی همواره و حتماً به صورت تکاملی نمی‌باشد؛ برای شناخت درست دین نیاز به فراگیری تمام علوم بشری نیست.

۵-۱: اهمیت پژوهش

در سالهای اخیر مباحث معرفت دینی در جامعه اسلامی رو به گسترش بوده است. البته اغلب نوشته‌ها و مقالاتی که در این زمینه نگارش یافته است تحت تأثیر مباحثی است که روشنفکران در غرب در نقد معارف مسیحیت ارائه کرده‌اند و در دهه‌های اخیر به صورت ترجمه به کشورهای اسلامی منتقل شده است، از طرفی اکثر این نویسندگان اطلاعات دقیقی از معارف و فقه اسلامی ندارند و گاه اسلام را در حد سایر ادیان تحریف شده تنزل می‌دهند در نتیجه دچار خطا در ارزیابی‌هایشان می‌شوند. نشان دادن این گونه لغزش‌ها می‌تواند موجب تنبه و دقت بیشتر در ارزیابی‌ها شود و بسیاری از شبهات جدید را پاسخ دهد. بنابراین باید درباره معرفت دینی به صورت نظام‌مند بحث شود.

۶-۱: ضرورت پژوهش

معرفت دینی مسأله‌ای است که فهم آن مشکل است و در اذهان شبهاتی را ایجاد می‌کند که نیاز به پاسخ‌های متقن دارد و در این زمینه ما به کمبود پاسخ‌ها در مقابل این شبهات رو به رو هستیم که اگر پاسخ به این شبهات داده نشود جوانان را

به طرف گمراهی می‌کشانند، در مورد معرفت دینی در هر زمان شبهات جدیدی ارائه می‌شوند که پاسخ می‌طلبند و در این زمینه به کمبود پاسخ‌ها روبرو هستیم بنابراین ضرورت دارد که به صورت بنیادی بحث شود.

۱-۷: تعریف مفاهیم

در اینجا ما تعریفی از دین، معرفت دینی، معرفت و معرفت دینی، معرفت شناسی و معرفت شناسی دینی و تکامل ارائه می‌کنیم.

۱- دین

در مورد دین از دو بعد، لغت و اصطلاح، بحث می‌کنیم.

الف) از نظر لغت: از نظر لغت، دین به معنای انقیاد، خضوع، پاداش، اطاعت،

تسلیم و اسلام، عادت، کار و عبادت و بازان است.^۱

در قرآن نیز بیش از نود بار واژه دین به معانی ذیل به کار رفته است؛

۱- اطاعت و بندگی: «قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ» بگو من

مأمورم که خدا را پرستش کنم در حالی که دینم (اطاعت و بندگی) را برای او خالص کرده باشم.^۲

۲- جزا و پاداش: «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» (خداوندی که) مالک روز جزا است.^۳

۳- تسلیم: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم در

برابر حق است) است.^۴

۴- به معنای آیین: «قُلْ إِنِّي هِدَانِي رَبِّي الْيُحْيَىٰ صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ

ابراهیم حنیفاً» بگو: «پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده؛ آیینی پا برجا (و

۱- سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۶۰، فراهیدی، خلیل

بن‌احمد، کتاب العین، قم، انتشارات اسوه، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۶۱۰

۲- سوره زمر/ ۱۱

۳- سوره فاتحه/ ۳، زمر/ ۵-۶

۴- آل عمران/ ۱۹

ضامن سعادت دین و دنیا): آیین ابراهیم، که از آیین‌های خرافی روی برگرداند.^۱ «و قاتلوهم حتی لا تكون فتنة ويكون الدين كله لله» و با آنها پیکار کنید تا فتنه (شرک و سلب آزادی) برچیده شود، و دین همه مخصوص خدا است.^۲

۵- آیین حق و باطل: «لکم دینکم و لی دین» (حال که چنین است) آیین شما برای خودتان، و آیین من برای خودم.^۳

۶- به معنای اعتقاد: «لا إکراه فی الدین» در قبولی دین (اعتقاد) اکراهی نیست.^۴ ما اینجا چند نمونه از معانی واژه دین در قرآن ذکر کردیم غیر از این مواردی که ذکر شد، موارد دیگر نیز وجود دارند که اینجا مجال ذکر آنها نیست.

ب) تعاریف دین در اصطلاح: از دین تعاریف متعدد و متنوعی ارائه شده است هم از سوی اندیشمندان غربی و هم از سوی اندیشمندان اسلامی. اینجا نگاه کوتاهی به این تعاریف می‌اندازیم و بعد تعریف مورد نظر را ذکر خواهیم کرد. اما از جمله تعاریف‌های که اندیشمندان غربی ارائه کرده‌اند به این نحو است:

۱- تی یل (Tiele): دین وضعیتی روحی یا حالتی ناب و حرمت آمیز است که آنرا «خشیت» می‌خوانیم.^۵

۲- جیمز مارتینو (James martineau): دین، اعتقاد به خدای همیشه زنده است.^۶

۳- مایکل پترسون (peterson michel) و همکاران: «دین متشکل از مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال و احساسات (فردی و جمعی) است که حول مفهوم حقیقت سامان یافته است. این حقیقت را می‌توان بر حسب تفاوت ادیان با

۱- انعام / ۱۶۱

۲- انفال / ۳۹، بقره / ۱۹۳

۳- کافرون / ۶

۴- بقره / ۲۵۶

۵- پترسون، مایکل و همکاران، عقل و اعتقاد دینی، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۳، ص ۱۸

۶- همان

یکدیگر، واحد یا متکثر، متشخص یا نامتشخص، الوهی یا غیر الوهی و نظایر آن تلقی کرد»^۱.

۴- رویل (ROYLE): «دین، ادراک رابطه‌ای است بین جان بشر و جان مجهول‌الکنهی که انسان تسلط او را بر خود احساس و نعمت جوار او را آرزو می‌کند»^۲.

۵- رابوسول (Robosol): «مجموعه‌ای از اعتقادات و سمبل‌ها (و ارزش‌های که بطور مستقیم از آنها بدست می‌آیند) که با تفاوت و تمایز بین حقیقت تجربی و مافوق تجربی متعال مرتبط می‌باشند. امور تجربی از لحاظ دلالت و معنا، نسبت به امور غیر تجربی از اهمیت کمتری برخوردارند»^۳.

۶- ویلیام جیمز (Wiliam JAMESE): «دین همان تأثرات، احساسات، اعمال و تجربیاتی است که در هنگام تنهای و به دور از تمام وابستگی‌ها و در زمانی که خود را در برابر آنچه خدا می‌نامند، می‌یابند»^۴.

نقد تعاریف

هیچ کسی از اندیشمندان غربی تعریفی جامع از دین ارائه نکرده است فقط به بعد خاصی از دین پرداخته‌اند. روان‌شناسان و جامعه‌شناسان غربی به جای پژوهش درباره دین، به مطالعه رفتارهای اجتماعی و فردی متدینان رو آورده‌اند در حالی که رفتار دینداران الزاما برگرفته از دین نیست. البته تعریفی که مایکل پترسون از دین ارائه کرده است جامع افراد است ولی مانع اغیار نیست چون این تعریف شامل دینداری نیز می‌شود در حالیکه دینداری، خود دین نیست.

۱- همان، ص ۲۰.

۲- کمپانی، فضل‌الله، ماهیت و منشأ دین، تهران، فراهانی، ۱۳۶۲، ص ۸۲۲.

۳- ژان پل، ویلهم، جامعه‌شناسی ادیان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، مؤسسه تبیان، ۱۳۷۷، ص ۱۷۱-۱۷۲.

۴- جیمز، ویلیام، دین و روان، ترجمه مهدی قائنی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷، ص ۶.

بنابراین برخی از این تعاریف تنها به ابعاد اعتقادی، برخی به جنبه‌های معرفتی، برخی به ابعاد حسی و روانی، تعدادی به زوایای اجتماعی و برخی نمونه‌ها به بینش‌های شهودی پرداخته‌اند که اینجا بیانگر ماهیت و حقیقت دین نیستند.

در مورد دین تعاریف متفاوتی از سوی اندیشمندان ارائه شده‌اند که نمی‌توان روی تعریف خاصی متمرکز شد. اینجا می‌توان به تعریف دین از دیدگاه ادیان الهی نظر کرد نه به صورت عام که شامل همه ادیان بشود.

اما تعریف دین از دیدگاه اندیشمندان اسلامی بصورت متفاوت ارائه شده است. برخی اندیشمندان اسلامی و روشنفکران روی این تعریف تکیه می‌کنند است که «دین به مجموعه آیین‌ها و قوانین می‌گویند، یعنی به عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی می‌گویند که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش آنها از سوی خداوند متعال بر پیامبران وحی و ابلاغ شده است. به تعبیر دیگر، مجموعه هست‌ها و باید‌های مستند به خداوند را دین می‌گویند که از طریق وحی برای کمال انسان‌ها بیان شده است»^۱. اما اکثر اندیشمندان اسلامی دین را مجموعه‌ای از عقل و نقل می‌دانند. اگر تعریف بهتر را ارائه بدهیم به این صورت خواهد بود: دین به مجموعه قوانین، حقایق، احکام و ارزشهایی می‌گوید که از جانب خداوند در قالب عقل و وحی برای هدایت بشر نازل شده است.

بنابراین دینی که منظور ما خواهد بود به این نحو است:

۱- دین مورد بحث ما دینی است که به بشر ابلاغ شده است نه آنچه که در لوح محفوظ باشد.

۲- دین و شریعت از دو طریق به بشر ابلاغ شده است، الف) وحی که رسول ظاهری آنرا دریافت می‌کند و به مردم ابلاغ می‌کند، ب) عقل که رسول باطنی نامیده شده است.

۱- ایزد پور، محمد رضا، فهم دینی در بستر آگاهی‌های جدید، تهران، نشر هستی‌نما، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۴. حسین زاده، محمد، مبانی معرفت دینی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رح)، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۰، ص ۱۷-۱۸.

اما آنچه که در نظریه تکامل معرفت دینی از دین تعریف کرده آمده است، به این صورت است: «دین - یعنی کلام باری و سیره و سنن پیشوایان دین»^۱ که این عبارت بعدی با این عبارت قبلی مدعی روشن می‌شود «ازکان و اصول و فروع نازل بر نبی، اینها عین شریعت‌اند و اموری هستند قدسی و آسمانی و هدایت خدای مهربان‌اند برای هدایت آدمیان»^۲ بنابراین منظور از دین، شریعت و متون دینی، اصول و رفتار پیشوایان دین است، یعنی دین و شریعت را یکی می‌داند و در هیچ جای از مطالب خود میان این دو تفکیک نکرده است.

تعریف مدعی با چند اشکال مواجه است:

۱- میان تعریف دین و شریعت خلط کرده است در حالیکه دین و شریعت از نظر اصطلاح با هم تفاوت دارند، شریعت به وحی آسمانی نازل بر پیامبر اطلاق می‌شود که معنای اخص از دین دارد، دین شریعت و آنچه از سنت و عقل در باب حقایق بدست می‌آید را شامل می‌شود، یعنی میان دین و شریعت نسبت عام و خاص مطلق است.

۲- میان دین و متون دینی خلط کرده است چون دین اعم از فهم متون دینی است. این اشکال به تعریف برخی اندیشمندان اسلامی که دین را مختص به وحی کرده است، نیز وارد است، اینها تعریف دین را فقط شامل وحی دانسته‌اند در حالیکه اکثر اندیشمندان اسلامی بر این تاکید دارند که دین مجموعه‌ای از عقل و وحی است. دین مجموعه‌ای از حقایق و ارزشها است که از طرف خداوند، از طریق عقل و وحی به بشر ابلاغ شده است. اما کتاب و سنت که متون دینی‌اند، حاکی و معرف دین‌اند نه خود دین. پس دین را نمی‌توان با متون دینی مساوی دانست لذا نسبت میان دین و متون دینی، نسبت حاکی و محکی است.^۳

۱- سروش، عبدالکریم، قبض و بسط تئوریک شریعت، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط، چاپ ششم، ۱۳۷۷، ص ۴۴۱.

۲- همان، ص ۲۰۶.

۳- خسرو پناه، عبدالحسین، کلام جدید، قم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه‌ی علمیه، چاپ سوم پاییز ۱۳۸۳، ص ۹۳.